



انتشارات لموری
زبان و فرهنگ ایران

۱۲۳

فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی

تألیف

دکتر سید جعفر سجادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سر آغاز

«به نام آنکه جان را فکرت آموخت»

آنچه در عرف اهل علوم و فنون، اصطلاح خوانده می‌شود، واژه‌ها و تعابیر خاصی است که برای افاده معنایی خاص وضع شده، یا در اثر کثرت استعمال در هر علم و فن، به تدریج معانی خاص از آن اراده شده و حالت اصطلاحی یافته‌است. مفاهیم اصطلاحی نیز مانند مفاهیم لغوی کلمات، یا تعیینی است یعنی با قصد و اراده وضع می‌شود؛ و یا تعیینی است یعنی واژه‌ای به تدریج معنای لغوی و مطابقی خود را از دست می‌دهد و در یک علم، جنبه اصطلاحی می‌یابد. البته معنای اصطلاحی واژه، عموماً با معنای لغوی آن متناسب است. مثلاً اصطلاحات صوم و صلوة در فقه به معنای انجام عمل مخصوص با شرایط و آداب خاص است که با امساک و دعا که به ترتیب معنای لغوی آنهاست متناسب است؛ اما هر امساک و دعایی را نمی‌توان صوم و صلوة خواند.

این وضع درباره هر نوع اصطلاحی، از جمله اصطلاحات صوفیه درست است. چنانکه صوفی از سر وجد و حال، کلمات و عباراتی بر زبان رانده، یا مشایخ بزرگ بر سبیل پند و اندرز به مریدان، کلمات و عباراتی گفته‌اند که در اثر تکرار و استعمال، به تدریج جنبه اصطلاحی یافته است. گاه نیز شاعران صوفی مشرب با استفاده از استعاره و کنایه و مجاز، تعبیراتی آورده‌اند که جنبه رمزی یافته و سپس به‌عنوان اصطلاح معمول شده است. بطور دقیق نمی‌توان گفت که وضع و استعمال این اصطلاحات از کجا و چه تاریخی شروع شده است. اما مسلم و مشهود است که برخی از اصطلاحاتی که در آثار و سخنان صوفیه آمده، از قرآن مجید و کلمات

بزرگان دین، و روایات برگرفته شده است. عبدالرحمن سلمی (متوفی ۴۱۲ ه ق) در کتاب **طبقات صوفیه** خود، ضمن شرح احوال کسانی چون انس بن مالک (متوفی ۹۲ ه ق)، حسن بصری (متوفی ۱۱۰ ه ق)، فرقد سبخی (متوفی ۱۲۱ ه ق)، سفیان ثوری (متوفی ۱۶۱ ه ق)، داود طائی (متوفی ۱۶۵ ه ق) و ابراهیم ادهم (متوفی ۱۶۶ ه ق) به عنوان زاهدان و صوفیان متقدم، کلمات و عباراتی از آنان نقل کرده که بعدها به عنوان اصطلاح، شرح و تفسیر شده است. در این میان بیش از همه، از بایزید بسطامی (متوفی ۲۶۴ ه ق) و حسین بن منصور حلاج (مقتول در ۳۰۹ ه ق) که هر دو بینانگذار مکتب خاص عرفانی به شمار می‌روند نقل قول شده است. خاصه حلاج که اصطلاحات رمزی را در ادب عرفانی وارد کرد. چنانکه حتی نام آثار او چون: **طاسین الازل والجوهر الاکبر، الاحرف المعذنة والازلیة، موایید العارفين، کتاب هوهو، کتاب کبریت الاحمر،** خود نمودار اصطلاحات و تعابیر رمزی، و محتاج به شرح و تفسیر است. بنابراین آشکار است که تا اواخر سده سوم هجری، تصوف اسلامی نضج یافته، و اصطلاحات ذوقی و عرفانی و شطحیات به ظاهر کفرآمیز صوفیانه و عقاید ملائطه چندان شایع شده بود که سبب ستیزه‌گری مخالفان گشت؛ تا آنجا که حسین منصور حلاج سر بر سودای «انالحق» و «الله فی جبتی» و «لیس فی جبتی سوی الله» و «الحق بالحق للحق» نهاد؛ و چنان شد که در سراسر ادب عرفانی از او به عنوان شهید راه حق، و وحدت وجود عرفانی یاد کرده‌اند.

این مایه رواج عقاید و افکار صوفیانه، حتی فیلسوفی چون ابن‌سینا را بر آن داشت که در ماهیت «عشق» از دیدگاه تصوف رساله‌ای بنگارد و از اصطلاحات صوفیانه استفاده کند.

همو در نمط نهم کتاب اشارات که آنرا مقامات العارفين نامیده نیز برخی از اصطلاحات عارفان مانند: زاهد، عارف، عابد، شریعت، طریقت، اراده، ریاضت، وقت، وجد، تلبیس، تدلیس، سکینه، مشیت، وصول، محو، فنا، نفس اماره، نفس مطمئنه، تخلیه، ترک... را شرح کرده است.

گویا میان ابن‌سینا و ابوسعید ابوالخیر، قطب زمان، ملاقات و مکاتباتی بوده و همین معنی سبب گرایش این فیلسوف بزرگ به تصوف شده است. این مکاتبات، خود شامل برخی از اصطلاحات و شطحیات صوفیه است. گذشته از آثار یادشده، قصیده عینیة ابن‌سینا نیز مفهومی سراسر ذوقی و اشراقی دارد.

تدوین و شرح اصطلاحات صوفیه

رواج تصوف و پیدایش مکاتب صوفیه طی چهار سده در جهان اسلام، ظهور انبوهی تعابیر و اصطلاحات را در پی داشت که در آثار یا سخنان منقول از صوفیان، پراکنده بود. جالب است که نخستین گردآورندگان و شارحان اصطلاحات قوم، خود از جمله صوفیان یا شاعران متصوف بودند. برخی از مهمترین آثار در این باب از این

قرارند:

الف - **اللمع**، اثر علی بن سراج طوسی ملقب به طاووس الفقراء (متوفی ۳۷۸ ه ق)، از جمله مهم‌ترین آثار شامل اصطلاحات صوفیه و شرح آنها است. طوسی با عبدالرحمن سلمی، نویسنده طبقات الصوفیه معاصر بود. شاید بتوان طوسی را نخستین کسی دانست که این اصطلاحات را بطور وسیع گردآوری و شرح کرد. او اصطلاحات و تعبیرات صوفیانه را بر باطن شریعت استوار می‌داند که مربوط به اعمال قلوب است. نه جوارح. اعمال قلوب از نظر او شامل مقامات و احوال است، مانند: تصدیق، ایمان، یقین، اخلاص، معرفت، توکل، محبت، رضا، ذکر... او مجموعاً حدود پنجاه اصطلاح را که به اعمال قلوب مربوط است ذکر کرده و به شرح آنها پرداخته است. طوسی همچنین تأویلات صوفیانه درباره برخی از مسائل شرعی مانند زکات و صدقه و صوم و حج را ذکر کرده، و درباره برخی از آداب صوفیان مانند سماع و سلوک سخن رانده است.

ب - **رسالة قشیریة**، اثر ابوالقاسم قشیری (متوفی ۴۶۵ ه ق). نویسنده در این کتاب، تقریباً با رعایت تسلسل تاریخی، از تعداد زیادی از صوفیان متقدم تا روزگار خود (اغلب به استناد بر طبقات الصوفیه سلمی)، همراه با کلمات و سخنان و تعبیرات و اصطلاحات آنان یاد کرده و به شرح و توضیح اصطلاحات مذکور پرداخته است. از جمله این صوفیانند:

۱- ابواسحاق ابراهیم بن ادهم بن منصور (متوفی ۱۶۶ ه ق)

۲- ذوالنون مصری (متوفی ۲۴ ه ق)

۳- ابوعلی فضیل بن عیاض (متوفی ۱۸۷ ه ق)

۴- ابو محفوظ معروف کرخی (متوفی ۲۰۱ ه ق)

۵- ابوعلی سری سقطی (متوفی ۲۷۷ ه ق)

۶- ابونصر بشر بن حارث حافی (متوفی ۲۲۷ ه ق)

۷- ابو عبدالله حارث بن اسد محاسبی (متوفی ۲۴۳ ه ق)

۸- ابویزید طیفور بن عیسی بسطامی (متوفی ۲۶۴ ه ق)

۹- ابو محمد سهل بن عبدالله تستری (متوفی ۲۷۳)

۱۰- ابوسلیمان عبدالرحمن بن عطیه دارانی (متوفی ۲۱۰ ه ق)

۱۱- حاتم بن یوسف الاصم از بزرگان مشایخ خراسان و از شاگردان شقیق بلخی بود. در حدود سال ۲۳۰ درگذشت. وی واضح اصطلاحاتی مانند موت ابیض که از آن تعبیر به جوع کرده؛ و موت اسود که عبارت از تحمل آزار دیگران است؛ و موت اخضر و موت احمر و چند اصطلاح بدیع دیگر است.

۱۲- رازی - ابوزکریا یحیی بن معاذ (متوفی ۲۵۸ ه ق)

۱۳- احمد بن ابی‌الحواری دمشقی (متوفی ۲۳۰ ه ق)

۱۴- ابوتراب عسکر بن حصین نخشبی (متوفی ۲۴۵ ه ق)

۱۵- ابوعلی احمد بن عاصم انطاکی که از شاگردان حارث محاسبی بود.

۱۶- ابوصالح حمدون بن عمار قصار نیشابوری (متوفی ۲۷۰). وی از پایه‌

گذاران مذهب ملامتیه است.

- ۱۷- ابوالقاسم جنید بن محمد معروف به سید الطائفه (متوفی ۲۹۷)
- ۱۸- ابوعثمان سعید بن اسماعیل حیری (متوفی ۲۹۸ ه ق)
- ۱۹- ابوالحسین احمد بن محمد نوری از شاگردان و اصحاب سری سقطی بود و در باب تصوف و خصوصیات آن از او نقلها شده است. (متوفی ۲۹۵ ه ق)
- ۲۰- ابومحمد رویم بن احمد بغدادی (متوفی ۳۰۳ ه ق) که در باب حکمت و ورع و صدق و شرایط تصوف سخن گفته است.
- ۲۱- ابوبکر احمد بن نصر معروف به زقان کبیر که از اقران جنید بغدادی بود در باب فقر و تقوی از او نقل قول شده است.
- ۲۲- ابو عبدالله عمر بن عثمان مکی (متوفی ۲۹۱ ه ق). در باب انس، جمال و توحید سخن گفته است.
- ۲۳- ابوالفوارس شاه بن شجاع الکرمانی (متوفی در پیش از سال ۳۰۰ ه ق) که در باب عفت و شهوت و مراقبت از او نقل قول شده است.
- ۲۴- یوسف بن حسین (متوفی ۳۰۴ ه ق) که از شیوخ ری و جبال بود.
- ۲۵- ابوسعید خراز بغدادی (متوفی ۲۷۷ ه ق) از اصحاب ذوالنون مصری.
- ۲۶- ابو عبدالله محمد بن اسماعیل مغربی. یکصد و بیست سال عمر کرد و در سال ۲۹۹ ه ق درگذشت. در باب وقت، فقر، غنی، تواضع سخن گفته است.
- ۲۷- ابومحمد احمد بن محمد حریری (متوفی ۳۱۱ ه ق) از اصحاب بزرگ جنید بود. وی به مانند جنید اصطلاحاتی وضع کرد.
- ۲۸- سهل بن عطاء الادمی (متوفی ۳۰۹ ه ق). وی آداب شریعت را مقدمه وصول به طریقت می دانست.
- ۲۹- ابواسحاق ابراهیم بن احمد خواص (متوفی ۲۹۱ ه ق). کلمات قصار و اصطلاحات بسیاری از او نقل شده است.
- ۳۰- ابواسحاق بن ابراهیم بن داود الرقی (متوفی ۳۲۶ ه ق) در باب معرفت، قدرت، خلق، محبت، ایثار، طاعت، ادب مرید، حفظ آداب شرع، خدمت اخوان، سخن گفته است.
- ۳۱- ابوبکر دلف بن جعفر بغدادی شبلی (متوفی ۳۳۴ ه ق).
- ۳۲- ابومحمد عبدالله بن محمد نیشابوری المرتعش (متوفی ۳۲۸ ه ق).
- ۳۳- ابوعلی احمد بن محمد رودباری (متوفی ۳۲۲ ه ق) از اصحاب جنید و نوری بود. در باب ملاحی، سماع، تصوف، انابت و توبت سخن گفته است.
- ۳۴- ابومحمد عبدالله بن منازل (متوفی ۳۲۹ ه ق). از شیوخ ملامتیه و از اصحاب حمدون قصار بود. کلماتی در باب رسوم ملامتیان از او نقل شده است.
- ۳۵- ابوالخیر اقطع (متوفی ۳۴۰ ه ق)
- ۳۶- ابویعقوب اسحاق بن محمد نهرجوری (متوفی ۳۳۰ ه ق)
- ۳۷- محمد بن داود دینوری (متوفی ۳۵۰ ه ق)

۳۸) ابو محمد عبدالله بن محمد (متوفی ۳۵۳ هـ ق)

۳۹) ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی (متوفی ۳۹۱ هـ ق)

۴۰) ابو عثمان سعید بن سلام مغربی (متوفی ۳۷۳ هـ ق) که از اعلام بزرگ مشایخ است در باب اصطلاحات و کلمات بزرگان سخن بسیار گفته است.

این بزرگان از جمله پایه‌گذاران مکاتب صوفیه و بیان‌کننده افکار دقیق صوفیانه تا قرن چهارم هجری بوده‌اند.

قشیری درباره اصطلاحات صوفیان چنین می‌گوید: تردیدی نیست که هر صنف از عالمان را الفاظی خاص هست و از جمله در میان صوفیان نیز الفاظ و اصطلاحاتی متداول است که مقاصد خود را با آن اصطلاحات بیان می‌کنند. این اصطلاحات به گونه‌ای است که مفهوم آنها بر اجانب پوشیده است. چرا که صوفیان بر پوشیده داشتن افکار و عقاید و آداب تصوف سخت تمصب دارند و می‌کوشند که غیر اهل‌الله بر آن آگاه نشوند. آنها برآنند که این اصطلاحات حاوی مفاهیم و حقایقی است که خداوند متعال صرفاً در دل اولیاء و اهل‌الله به ودیعت نهاده و نامحرمان نباید بدان دانا شوند....

من بر آن‌شدم که این الفاظ و اصطلاحات را بطوریکه قابل فهم باشد شرح و تفسیر کنم.

البته مراد قشیری از این کار آن بود که مبتدیان سیر و سلوک به مفاهیم این اصطلاحات واقف شوند. از این رو قشیری یکایک اصطلاحات را ظاهراً برحسب اهمیت آنها شرح و تفسیر کرده است.

ج - منازل السائرین از جمله بزرگان صوفیه که به تدوین اصطلاحات و مقامات و حالات صوفیان پرداخت. ابو اسماعیل عبدالله بن محمد انصاری (متوفی ۴۸۱ هـ ق) صاحب کتاب منازل السائرین، کشف الاسرار، طبقات صوفیه و چند اثر دیگر است. کتاب منازل السائرین که حاوی مقامات و احوال و سیر و سلوک صوفیان است یک‌صد اصطلاح را نیز دربر دارد. شروح متعددی بر این کتاب نوشته شده است از جمله شرح عبدالرزاق کاشانی (متوفی ۷۳ هـ ق) را می‌توان نام برد.

د - آثار شیخ شهاب‌الدین سهروردی (مقتول در ۵۸۱) وی از متفکران بزرگ و واضع بسیاری از رمزیات و اصطلاحات ذوقی است.

اگرچه سهروردی را نمی‌توان در عداد صوفیان به معنی خاص آن به‌شمار آورد، اما چون بزرگترین نماینده حکمت اشراق است و چنانکه خود می‌گوید «یافت» که اساس اشراق است به ریاضت و سیر و سلوک استوار می‌باشد، کلمات و عباراتش مشحون از اصطلاحات و رموزی خاص خود اوست. حتی نام رسائل و آثار او مانند عقل سرخ، هیاکل النور، لغت موران، آواز پر جبرئیل، غرۃ‌الفربیه و رساله‌الابراج رمزگونه است.

ه - شرح شطحیات روزبهان یقلی شیرازی (متوفی ۶۰۶ ق)

از مشایخ صوفیه که به گردآوری و شرح و تفسیر اصطلاحات صوفیان و

بویژه شطحیات آنان اهتمام کرد.

وی می‌گوید: «چون سر بگریبان تصرف برآوردم و در مشاهیر کتب ائمه معرفت مطالعه کردم، تفاوت مقامات ایشان در مقالت ایشان بشناختم، معلوم کردم که نکت و اشارات راسخان معرفت را تحف واردات احوال است؛ وقوف بر آن علم مشکل دیدم علی‌الخصوص زبان اهل سکر که در لجه بحر قلزم قدم، غرق وحدت بودند. از شقایق ایشان در وقت زفرات و حقیقت غلبات، شطحیات پیدا شده بود و بر هر کلمه جهانی از اهل علم به‌همدیگر برآمده بودند. طاعنان شمشیر جهل از غمد حسد برکشیده بودند و از نادانی به خود می‌زدند، غیرت عشق مرا شربت سکینه داد تا از غمرات محبت ساکن شدم.»

روزبهان (ص ۱۳) ریشه شطح را در حروف فواتح سور و اسرار حروف آن و متشابهات احادیث و کلمات و عبارات خلفای راشدین می‌داند. روزبهان که یکی از داناترین افراد به کلمات و اصطلاحات و شطحیات صوفیان است، اساس شطح را فواتح سور قرآن و اسرار حروف آن، و متشابهات احادیث می‌داند. وی نخست به ذکر و شرح کلمات و شطحیات بایزید بسطامی (متوفی ۲۶۴ هـ ق) و سپس حسین منصور حلاج (مقتول در ۳۰۹ هـ ق) پرداخته و مطلب را با ذکر کلمات قصار و شطحیات و اصطلاحات عرفای دیگر ادامه داده است. اگرچه یکی از فصول کتاب او به شرح و تفسیر اصطلاحات و رمزیات صوفیه اختصاص یافته است.

و - اصطلاحات محی‌الدین بن عربی (متوفی ۶۳۸ ق)

متفکر و صوفی بزرگ سده ۶ و ۷ هجری که اندیشه‌های وحدت وجودی وی در صوفیان بعدی و نیز آثار منظوم و منثور عرفانی نفوذ بسیار یافت. پیروان و شاگردان با واسطه یا بلاواسطه مکتب او در عرفان نظری مانند صدرالدین قونوی و عبدالرزاق کاشانی و داود قیصری شارح فصوص‌الحکم عقاید او را ترویج کردند و روش کار او را پی گرفتند. ابن عربی صاحب تألیفات متعددی است که بسیاری از آنها معماگونه و از متون بسیار دشوار عرفانی است که درک مطالب آنها بدون احاطه کامل به مبانی فکری عرفانی و مکتب خاص او ناممکن است. از جمله آثار او اصطلاحات صوفیه است که در مجموعه رسائلش (هند، حیدرآباد ۱۳۶۷ هـ ق) طبع و نشر شده است.

وی در رساله دیگرش بنام التراجم نیز کلمات مشایخ و اصطلاحات صوفیان را شرح کرده است.

ز - اصطلاحات عبدالرزاق کاشانی (متوفی ۷۳۵ ق)

دیگر از بزرگان و مشایخ طریقت است که در باب اصطلاحات صوفیه رساله‌ای نوشته است. وی اصطلاحات صوفیه را براساس حروف تهجی مرتب و شرح کرده است. کاشانی همچنین شرحی بر منازل السائرین انصاری نوشته که از شروح دشوار آن کتاب به شمار می‌رود.

ج - اصطلاحات فخرالدین عراقی (متوفی ۶۸۸ هـ ق)

شاعر و صوفی مشهور که برخی از اصطلاحات ذوقی و عرفانی را شرح کرده است. این اصطلاحات بطور مستقل، و همچنین در پایان دیوان او چاپ و منتشر شده است.

ط - اصطلاحات شیخ محمود شبستری

از جمله کسانی که اصطلاحات صوفیه و بویژه شاعران عارف را گردآوری و شرح کرده، شیخ محمود شبستری ملقب به سعدالدین یا نجم‌الدین، یکی از عارفان بزرگ سده هفتم است. رساله منظوم او در این باب، در واقع پاسخ‌سؤالات امیرحسین هروی، یکی از عارفان معاصر اوست. توجه او بیشتر به اصطلاحاتی معطوف بوده که شاعران به کار می‌برده‌اند مانند: خط و خال، خرابات، میکه... تاریخ نظم این رساله چنانکه خود وی گفته سال ۷۱۷ هـ ق بوده است.

ی - اصطلاحات شاه نعمت‌الله ولی (متوفی ۸۳۴ هـ ق)

اثر شاه نعمت‌الله ولی کرمانی ظاهراً براساس اصطلاحات عبدالرزاق کاشانی تألیف شده است.

گذشته از اینان، کسان دیگری نیز در این باب دست به تألیف زدند که گار برخی از آنها جنبه عمومی‌تر دارد. مانند کشاف اصطلاحات فنون تهانوی و دستور العلماء قاضی عبدالنبی که بخشهایی از آثار خود را به اصطلاحات صوفیه اختصاص داده‌اند.

اصطلاحات مندرج در کتاب حاضر

اصطلاحاتی را که در این فرهنگ گرد آورده‌ایم، اعم از اصطلاحات عرفان عملی، عرفان نظری و تعبیرات ذوقی و اشراقی، به این شکل می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱- اصطلاحاتی که بیانگر مراتب و مقامات سالکان طریق است مانند: خادم، خام، مبتدی، مرشد، شیخ، خلیفه، ابدال، اوتاد...

۲- اصطلاحاتی که بر محل‌های خاص اطلاق می‌شده مانند: خرابات، میخانه، دیر، مسجد، کنشت، بتخانه...

۳- اصطلاحاتی که مربوط به جامه و پوشش صوفیه است مانند: دستار، جبه، کلاه خرقه...

۴- اصطلاحاتی که مربوط به حالات صوفیه است مانند: قبض، بسط، جذبه، سرور...

۵- اصطلاحاتی که مربوط به کردار و خوی صوفیه است مانند: عبادت، تقوی، عزلت، زهد...

۶- اصطلاحاتی که مربوط به روابط صوفیه با یکدیگر است مانند: خدمت، محبت، ود...

۷- اصطلاحاتی که بیانگر ریاضت و شرایط و آداب آن است مانند: خلوص،

عزم، عطش...

۸- اصطلاحاتی که بیانگر وجد و شور صوفیه است مانند: رقص، سماع،

جذبه ...

۹- اصطلاحاتی که غالباً شاعران صوفی به کار می‌برده‌اند مانند: ترسا، بت،

پیر می‌فروش...

۱۰- شطیحات و کلماتی که صوفیان به هنگام وجد و جذبه و خلسه بر زبان

می‌راندند مانند: طیر ازل، طیر ابد، ضحك، طواسین...

کتاب حاضر «فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی» نخستین بار به سال

۱۳۳۹ شمسی منتشر شد و با استقبال اهل ذوق و ادب روبرو گشت. متعاقب آن چاپ

جدید با تجدیدنظر و اصطلاحات و فزونیهایی منتشر شد و این طبع اخیر تا سال

۱۳۶۲ شمسی دوبار دیگر به چاپ رسید. توجه و علاقه‌ای که در سالهای اخیر،

دانش‌پژوهان به واژه‌نامه‌ها و فرهنگهای تخصصی نشان دادند، مرا نیز به تکمیل

کیفی و کمی و تجدید چاپ این اثر برانگیخت. اما پیداست که جستجو، استخراج

و توضیح معنی و تطور تاریخی انبوه اصطلاحات و تعبیرات صوفیانه که در آثار خرد

و کلان عارفان و ادیبان و حکیمان مسلمان، از اندلس گرفته تا ماوراءالنهر وجود

دارد، دانشی وسیع، همتی عالی و فراغ خاطر می‌طلبد که من بنده هرگز مدعی

برخورداری از آنها نیستم. اما اینقدر هست که از حدود سی سال پیش که به

پژوهش در اصطلاحات عرفانی و فلسفی و فقهی و اصولی و ادبی پرداخته‌ام،

دسته‌ای از مهمترین این اصطلاحات را که کاربرد بیشتری در متون مدرسی و برخی

از مؤلفات متاخرتر داشته‌اند گرد آورده و کوشیده‌ام با استناد به همان متون و گاه

توضیح و تبیین آن، مشکلات آنها را باز نمایم. اگرچه شاید در این کار چندان که

باید، توفیق نیافته باشم، اما گردآوری این اصطلاحات، همراه با اصل عباراتی که

اصطلاحات در آنها به کار رفته، می‌تواند پژوهشگر را از مراجعه به منابع متعدد

برای یافت و دریافت آنها که گاه موجب سردرگمی وی می‌شود تا اندازه‌ای بی‌نیاز

کند.

روش کار در تدوین و طبع این کتاب، چنانکه ملاحظه می‌شود با چاپهای پیشین

آن متفاوت است. گذشته از آنکه تعداد اصطلاحات و کمیت توضیحات مستند به

منابع نزدیک به دو برابر افزایش یافته، و مستدرکاتی را که طی چند سال تحقیق

مجدد جمع آورده بودم بدان افزودم، تمام ارجاعات به ذیل صفحات منتقل گشت؛

مشخصات آیات قرآنی ذکر شد، و هرجا ضرورتی پیش آمد، عبارات مشایخ صوفیه،

اشعار عربی و احادیث نبوی در حاشیه صفحات ترجمه شد. عبارات و اشعار و احادیث

مذکور، فقط در نخستین موضعی که در متن کتاب آمده ترجمه شده‌اند؛ و از ترجمه

برخی از امثال سائره و عبارات مشهور خودداری شده است. در بسیاری از مواضع

کتاب، جملات و عبارات منابع هر اصطلاح عیناً نقل شده تا موجب تحریف معنا نشود

و «مقصود از تألیف کتاب، فوت نگردن»؛ اما گاه نیز به نقل به معنی اکتفا شده است.

برخی از اصطلاحات به چند منبع ارجاع داده شده است. نخستین ارجاع، منبع اصلی آن اصطلاح، و بقیه جهت مزید فایده و یافتن معانی مفصل‌تر ذکر شده‌اند. برای برخی از اصطلاحات چند معنی ذکر شده یا هر دسته از صوفیان، معانی مختلفی که البته با یکدیگر بی‌تناسب نیست از آن اراده کرده‌اند. از این رو دیده می‌شود که برخی از شواهد شعری یا سخنان صوفیه بیش از یکبار، در مواضع مختلف ذکر شده‌اند.

آخر سخن آنکه نقد کاستی‌ها و لغزش‌هایی که محققان و فضلا در این کتاب می‌یابند و از راه لطف به من گوشزد می‌کنند، چندان ارجمندند که البته دستمایه‌ای توانند شد در پژوهشی گسترده‌تر و تکمیل این اثر؛ و همین مرا پاداش رنجی که دیر سالی است در تدوین آن بر خود هموار کرده‌ام بسنده تواند بود که چنان به دیده عنایت بدان بنگرند که شایسته نقدش بینند؛ چه، «کار کامل از کاملان خیزد».

و نیز از فرزندان سید محمدصادق سجادی که ویراستاری این کتاب را به عهده گرفته، در اصلاح آن از هر جهت بنده را یاری کردند، و از ناشر محترم آن جناب آقای طه‌پوری که عمری را در نشر فرهنگ و ادب و زبان فارسی مصروف داشته‌اند سپاسگزارم.

سید جعفر سجادی